

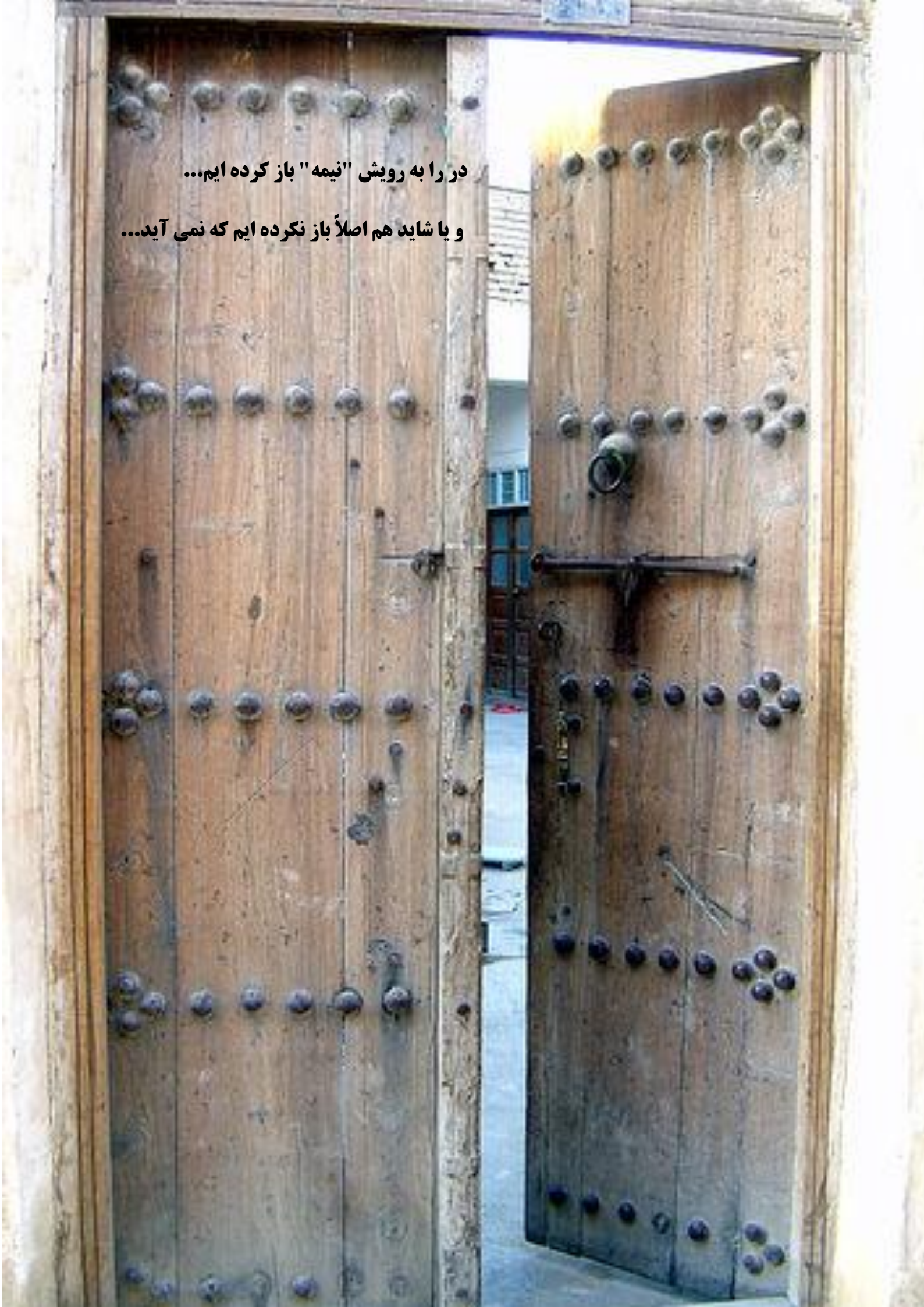


فصلنامه فرهنگی - اجتماعی "ن و القلم" / مدرسه علمیه فاطمیّه (سلام الله علیها) بندرانزلی و بسیج طلبّ / ویژه بهار / شماره ۳



**بندر زیبای انزلی...
خانم! یا کار، یا چادر!
معرفی وبلاگ آبای انزلی
سن عایشه هنگام ازدواج...
مصاحبه با مریم فاضلی (ورونیکا)**

در را به رویش "نیمه" باز کرده ایم...
و یا شاید هم اصلاً باز نکرده ایم که نمی آید...





شرمگین خودِ صبورش و هم
مادر غیورش!

همان مادری که این روزها
درخت بودنش با تبر نامردان
غیر علوی شکسته شد...
خودش را شکستند؛ میوه
دلش را به ثمر نرسیده از او
گسستند! شدند رسوای
دیدگانِ آسمان.

رفیق عزیز! مبادا هم نشینی
شکوفه و چلچله، هوش
فاطمیّمان را ببرد و فراموش
کنیم خاموشی مادر
حسین (علیه السلام) را!... مبادا
شیرینی بهار، جایگزین
تلخی رفتن مادر سادات
شود؛ پس بکوش که ستون
های قلب خود را در ایّام
هجرتش، هم‌رنگ شال عزای
پسرش مهدی (عجل الله تعالی فرجه
الشریف) کنیم.

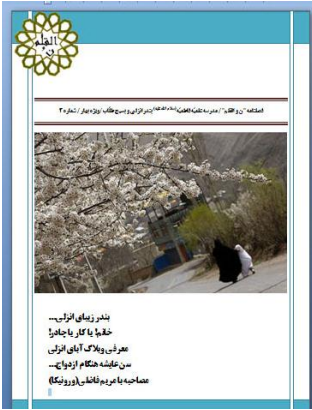
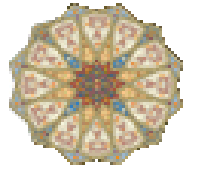
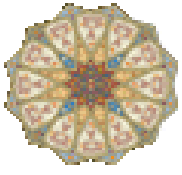
رفیق عزیز! امسال، بهار
فاطمی را دریاب.

این همه تحوّل، الفاظ
دروغین نیز با برف های
زمستانی آب شوند و از سر
شرم، نه راهی آسمان، که
سرازیر زمین شوند و دیگر
هیچ نشانی از آن ها باقی
نماند... کاش دیگر هیچ
اشرفی به خاطر کذب، هبوط
نکند! کاش هیچ پیشانی
عرق شرم بردگی به خود
نیند... کاش، کاش، کاش.

نقاشی بچگی هایمان را
یادت هست؛ خانه بود،
درخت بود، حتی جای
پرنندگان در آسمان خالی
نبود؛ اما جایی برای امام
نبود! کسی با عباى امامت در
صفحه سپید کاغذ دیده نمی
شد! ... شاید فراموش کردن
حضرتِ حاضر، در لحظه
لحظه های زندگانیمان
برخواسته از همین کودک
درون باشد... کاش با حسّ
حضورش بزرگ شویم -
حتی شده اندکی! - اما چه
می شود کرد که به کرات
شرمندگی کارمان است؛ هم

هفته های آخر سال است؛
از شکوفه های پاکدامنی که
بر روی شاخه های غیور
درختان نشسته اند می شود
فهمید - حتی اگر تقویم
نداشته باشی - اما هفته
های آخر ظهور را از کدام
درخت به بار نشسته یاران می
شود حس کرد؟! کدام یک
کثیرند؛ یاران شکفته یا
نشکفته!؟

غنچه های بهاری همچنان
در حال سبقت گرفتن از
خشکی شاخه های
زمستانند؛ ... فصلِ "بیا بیا"
گفتن ها و "شکوفه های
بهارى باز شدند کجایی گل
نرگس" هم، از "خزان عمر
ما با نبودنت به زردی
گراییده" و دیگر الفاظ
پاییزی و زمستانی جلو
افتاده اند؛ قلم زنانِ حروف،
خانه تکانی و تکاندن خانه
دل و زدودن گردو غبارِ بی
معرفتی را استادانه کنارهم
گذارده آرام آرام، نثر را نظم
می دهند! اما کاش به دنبال



صاحب امتیاز: مدرسہ علمیہ فاطمیہ (سلام اللہ علیہا) بندرانزلی

مدیر مسئول: مریم امامی

سر دبیر: سونیا سجادی

ہیأت تحریریہ: افسانہ شگری، زہرا ارسونی، نازنین علی محمدی، صغری احسانی، سونیا سجادی

طراح: سونیا سجادی

non va ghalam magazine
anzali.womenhc.com

گیلان، بندر انزلی، کوچہ ننائی، پلاک ۴۵، مدرسہ

علمیہ فاطمیہ (سلام اللہ علیہا) خواهران

تلفن: ۰۱۸۱- ۳۲۳۰۷۰۸ - ۳۲۴۲۲۸۰



مصاحبہ



سخن سردبیر



- ۱ سخن سردبیر
- ۴ کلام رہبری
- ۵ پای کلام بزرگان
- ۶ مصاحبہ
- ۹ معرفی وبلاگ آباہی انزلی
- ۱۲ برای مادرم زہرا (سلام اللہ علیہا)
- ۱۴ بندر زیبای انزلی
- ۱۶ خبرک



۵

پای کلام بزرگان



۶

مصاحبه: حالا دیگه نوبت امام زمانه!



چرا دینت تو را از نعمت مادر سنبدا منع کرده؟



۹

وبلاگ آبای انزلی



۱۴

بندر زیبای انزلی



۲۰

خانم! یا چادر یا کار!



چکیده مقاله



سرگرمی



قلمکده



گزارش

۱۷..... باشرح و بی شرح!

۱۸..... الشعراء

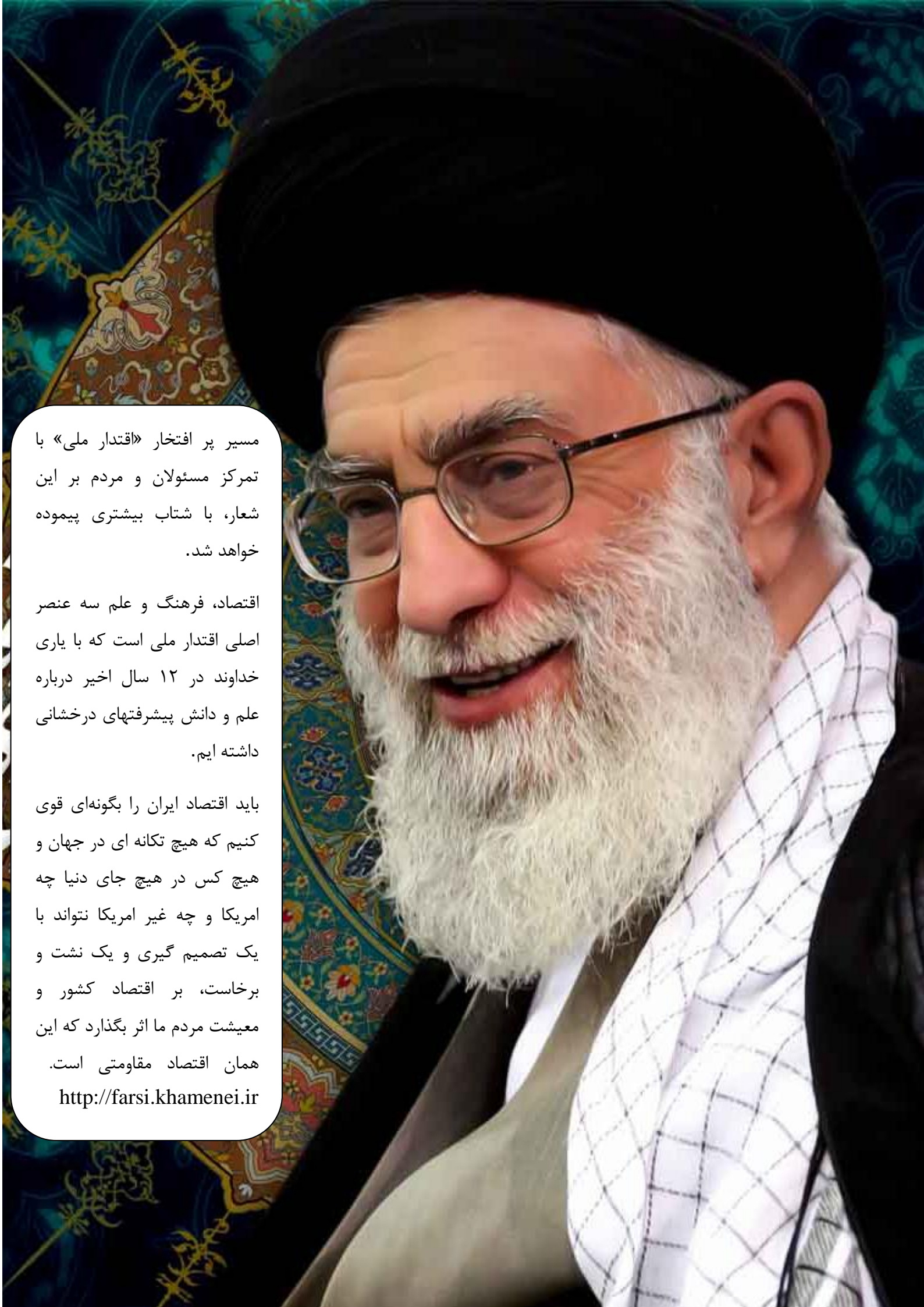
۲۰..... خانم! یا چادر، یا کار!

۲۲..... امام علی علیه السلام و پیشگوئی نابودی اسرائیل

۲۴..... سن عایشه هنگام ازدواج

۲۶..... تناقضات کتاب مقدس

۲۷..... معرفی کتاب

A close-up portrait of Ayatollah Khamenei, the Supreme Leader of Iran. He is wearing a black turban and glasses, and has a long white beard. He is smiling slightly. The background is a patterned blue and green fabric.

مسیر پر افتخار «اقتدار ملی» با
تمرکز مسئولان و مردم بر این
شعار، با شتاب بیشتری پیموده
خواهد شد.

اقتصاد، فرهنگ و علم سه عنصر
اصلی اقتدار ملی است که با یاری
خداوند در ۱۲ سال اخیر درباره
علم و دانش پیشرفتهای درخشانی
داشته ایم.

باید اقتصاد ایران را بگونه‌ای قوی
کنیم که هیچ تکانه‌ای در جهان و
هیچ کس در هیچ جای دنیا چه
امریکا و چه غیر امریکا نتواند با
یک تصمیم‌گیری و یک نشت و
برخاست، بر اقتصاد کشور و
معیشت مردم ما اثر بگذارد که این
همان اقتصاد مقاومتی است.

<http://farsi.khamenei.ir>



پای کلام بزرگان...



آیت الله قاضی (رحمه الله علیه): چند سفارش ایشان عبارت است از: اول روخوانی قرآن. می فرمودند قرآن را خوب و صحیح بخوانید. توصیه دیگر ایشان راجع به دوره تاریخ اسلام بود. می فرمودند یک دوره تاریخ اسلام را از ولادت حضرت پیغمبر(ص) تا ۲۵۵ هـ ق یا ۲۶۰ هـ ق بخوانید. و بعد از عمل به این ها می فرمودند برو نماز شب بخوان!



علامه جعفری (رحمه الله علیه): آزادی پدیده ای است که از متن حیات می جوشد و می خروشد؛ زیرا حیات از فشار نیروهای جبری خود رانشکست خورده احساس می کند. پس این آزادی را حق می داند. حتی اگر راه هاس رسیدن به آزادی هزاران بار دگرگون شوند، باز راه جدیدی برای رسیدن به حق، انتخاب می کند. هیچ چیز و هیچ مانعی نمی تواند آزادی و حق را از انسان ها بگیرد.



آیت الله مجتهدی تهرانی (رحمه الله علیه): تواضع داشته باشید. علم، تکبر برایتان نیاورد، علم تکبر می آورد. ثروت تکبر می آورد. پست و مقام تکبر می آورد. خیلی آدم می خواهد که رئیس باشد و خاکی باشد مثل امام هشتم (ع) سراغ نداری که با خدمه و مهتر و غلام بر سر سفره می نشست. به حضرت می گفتند آقا خوب نیست با این ها سر یک سفره بنشینید می فرمودند: کسی بر کسی برتری ندارد مگر در تقوا. همه ما اولاد آدم هستیم.



آیت الله فاطمی نیا (حفظه الله): خدمت آیت الله بهالدینی رسیدم. گفتم آقا راز مقام و رتبه سید سکوت چه بود؟ آقا دست بالا آورد و اشاره به دهان کرد. خدا شاهدست الان مردم خیلی دست کم گرفته اند آبرو بردن را. ببینید خدا چند گناه را نمی بخشد: ۱- عمداً نماز نخواندن. ۲- به ناحق آدم کشتن. ۳- عقوق والدین. ۴- آبرو بردن. این گناهان این قدر نحس هستند که صاحبانشان گاهی موفق به توبه نمی شوند.





الآن دیگه نوبت امام زمانه!...

مصاحبمون رو شروع می‌کنیم با سرکار خانم مریم فاضلی (ورونیکا)، بانویی که کلّ جوانیش رو در کشور کمونیستی آلمان شرقی گذرونده و حالا ۹ ساله که با ما هموطن شدن و مقیم ایرانن، اونم در مقدّس‌ترین زمین‌ها: قم!

۲۲ سال که از گفتن شهادتینشون گذشته؛ اونم به واسطه آشنایی با یک آقای ایرانی که بعد از شکسته شدن دیوار و ورود به آلمان غربی با هم آشنا شدند و در نهایت با ازدواج، مشرف به مذهب والای تشیع شدند. به گفته خودشون سه بار در عمرشون شهادتین گفتند: یک بار شهادتین شناسنامه‌ای، بار دیگر در وقتی بود که حجاب گذاشتن و برای اولین بار شروع به یادگیری نماز کردند و بار آخر وقتی شناختشون از اسلام عمق بیشتری پیدا کرد.

- در حال حاضر مردم آلمان چه تصوّری درباره مسلمان‌ها دارن؟!

مریم فاضلی: خُب هنوز افکار کمونیسم بین مردم آلمان تأثیر داره، افکار مردم طوریه که دلشون به حال زن

ما رو محدود کرده بود. آنقدر ما در تلویزیون و رسانه‌هامون سانسور داشتیم که اصلاً اسم اسلام به گوشم نخورده بود!

(با توجه به اینکه اصلاً اون موقع ماهواره هم نبود.)

- قبل از مسلمان شدن، تصوّر شما از یک زن مسلمان چی بود؟!

مریم فاضلی: راستش من هیچ تصوّری از اسلام و مسلمونا نداشتم! چون محیط کمونیستی آلمان شرقی کاملاً



ریزم؛ چون می‌دونم واقعاً مال خودم نبود!

بعد از سخنرانی فردا، مامان گفت "خیلی خوب بود"، بابا چیزی نگفت یعنی عالی بود! چنتا از مردهای محترم که اونجا بودن اومدن جلو و گفتن: خیلی خوب بود! ما حدس می‌زدیم آلمان یکسری چیزها رو مخفی می‌کنه، به ما دروغ میگه! خیلی خوبه که اینارو ما از شما شنیدیم!

- همیشه بپرسم در مورد چی صحبت کردید؟!

از فرهنگ کشورای مختلف شروع کردم و بعد وارد اسلام شدم، اول از حضرت عیسی شروع کردم و آخر کلام رو وصل کردم به امام زمان.

- اینطور که من برداشت کردم اگر اسلام به برخی مردم کشورتون عرضه بشه، اونها آمادگی روحی خیلی خوبی دارن برای پذیرفتن؛ ولی شرایط خانوادگی و اجتماعی اونها اجازه نمی‌ده! درسته؟!

شده بود - چون به خاطر حجابم با من حدود ۶ سال قطع رابطه کرده بودن - به من در کلیساشون حدود ده دقیقه فرصت سخنرانی دادن و موضوع رو هم گفتن در مورد هولوکاسته!!! خب خیلی شرایط سختی بود، فقط می‌خواستیم بشینم گریه کنم. نمی‌دونستم تو ده دقیقه چی باید بگم!



شب موقع خواب گفتم: "فرشته ها! نمی‌تونم ساعت کوک کنم؛ صداس بقیه رو اذیت و بیدار می‌کنه، خودتون برای نماز شب بیدارم کنید" چون قبلاً نماز شب رو تجربه کرده بودم و می‌دونستم تأثیر خوبی داره!

بعد از نماز نشستم پشت میز، کاغذ برداشتم به همراه خودکار و یک شمع کوچیک! و گفتم الان دیگه نوبت امام زمانه!

هنوز بعد مدت‌ها وقتی اون ۶ صفحه رو می‌خونم اشک می‌

مسلمان می‌سوزه چون فکر می‌کنن که همه چی در اینجا اجباریه. در مورد حجاب و ... دولت اجبارشون می‌کنه! وقتی من می‌رم آلمان یک مانتوی بلند می‌پوشم - البته بیشتر سعی می‌کنم زمستون برم تا یک کاپشنی هم روی مانتو بپوشم [برای پوشش بیشتر] - مردم با اینکه اونجا مسلمون وجود داره اما هنوز هم کج نگاه می‌کنن به خاطر حجابی که داریم یا به صورت غیرمستقیم تیکه می‌اندازن مثل اینکه می‌گن انگار اشتباه اومدی اینجا (با لبخند).

اما یک دوست ۶۵ ساله دارم در آلمان که کشیشه (پروتستان). این خانم بهم می‌گفت که خیلی عجیبه! لباس شما روی شخصیت بسیار اثر گذاشته (از لحاظ آرامش و ...).

راستش رابطه ما بهم نزدیکه، تا حدی که وقتی می‌رم آلمان به دلیل محدودیت جا در منزل بابا و مامان نمی‌مونم و پیش این دوستم می‌مونم. حتی یکبار در مراسمشون اجازه سخنرانی به من دادن! اون موقع تازه بابا و مامان رابطشون با من یکم خوب



ممنون از اینکه فرصتون رو در اختیار ما گذاشتید.

نیست؟! محدودتون نکرده!

چادر فاطمه زهرا برای من کرامته! این لطف و کرامتیه که زیر چادر نصیب من شده!

یک جمله از امام خمینی می-گم و اون اینکه باید با عمل و رفتارمون اسلام رو نشون بدیم!

وقتی اوایل می شنیدم پیامبر از اخلاق حرف می زنن، می-رفتم داخل دیکشنری و می-دیدم اونسی که منظورشون هست این نمی تونه باشه، باید یه چیز دیگه باشه، بعدها که تو جلسات می نشستم مثل ماه صفر و... تا حدی فهمیدم که منظور چی بوده.

- خانم ورونیکا! چادر گذاشتن براتون سخت



معرفی وبلاگ



آبای انزلی

تماس یا ما پست الکترونیک

آرشیو

اردیبهشت 1393
فروردین 1393
اسفند 1392
همه آرشیوها

پیوندهای روزانه

وبسایت سامره نوشت
همه پیوندهای روزانه
ارسال پیوند روزانه

پیوندها

جوب خدا صدا نداره
ایگاه اطلاع رسانی نکه نیوز
حامیان ولایت سید علی
سایت چارقد
وبلاگ مدرسه علمیه
فاطمیه (سلام الله بندرانزلی)
دانشکده ادیان و مذاهب
دفتر مقام معظم رهبری
وبلاگ تفسیر روح الله
همه پیوندها

توسنگان

سونیا سجادی (30)

POWERED BY

mi in blog

abayeanzali.mihanblog.com

ESET NOD32 Antivirus - File submitter

سپحن الله عمًا یصفون...
نویسنده: سونیا سجادی

چشمه 184 زیبخت 1393
09:25

سپحن الله عمًا یصفون...
باک و منزه است خدا از آنچه وصفش می کنند...

آخرین پستها

چند قطره شعر! برای رفع عطش...
فدا در مسیحیت
حجاب در مسیحیت!
همه فدای یکی! یکی فدای همه!
ای بهترین پدر دنیا! میلادت مبارک...
هدیه روز پدر برای مادر!!!
جناب رئیس جمهور!
انزوای زن در کلیسا!!!
ای مسیحا نیازمند دمت...
داتلود رایگان بازی زندگی!
سپحن الله عمًا یصفون...
...
برای مادر زهره (سلام الله علیها)...

وبلاگ آبای انزلی، به همت تنی چند از طلاب استان گیلان، بر ضد تبشیر مسیحیت پایه گذاری گشته.

در این وبلاگ به بررسی بی طرفانه و غیر مغرضانه عقاید و الهیات مسیحی پرداخته و با مقایسه تطبیقی با معارف اسلامی، مخاطب را دعوت به حقایق می نماید.

علاوه بر نقد مسیحیت، پاره ای از مسائل روز نیز در این وب به چشم می خورد که خواندن آن خالی از لطف نمی باشد. مدیریت این وبلاگ گروهی با سونیا سجادی، از طلبان مدرسه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) بندرانزلی می باشد.

در این وبلاگ سعی شده است به جنبه های مختلف دین مسیحیت، از جمله اعیادی که ساخته دست خودشان است پرداخته شود.

یکشنبه 25 بهمن 1392
11:40 ق.ظ

عید یهودیان و مسیحیان (گردآوری کننده: فریبا فرهادی نیا)

نویسنده: سونیا سجادی

عید واقعی مسیحیان و یهودیان چه روزیه؟



شنبه روز عید یهودیان است، یکشنبه روز عید مسیحیان است. آیا این دو روز از طرف خدا برای آنها عید حساب شده یا خودشان این گونه قرار داده اند مثل مسلمانان که خداوند جمعه را برای آنها عید قرار داده و اگر خدا انتخاب کرده چرا جمعه را انتخاب نکرده؟

برای بیان بهتر مطلب بهتر است آنرا به دو بخش تقسیم کنیم یکی عید مسیحیان و دیگری عید یهودیان.

و اما عید مسیحیان همه مسیحیان جهان همه ساله دو عید بزرگ را جشن می گیرند عید کریسمس و عید پاک. الف. عید کریسمس کریسمس همان جشن میلاد حضرت مسیح - علیه السلام - است که به عید نوئل هم معروف است. روز میلاد حضرت مسیح - علیه السلام - 25 دسامبر یعنی یک هفته قبل از شروع سال نو میلادی در نظر گرفته شده است. این عید که امروزه مهم ترین عید مسیحیان بشمار می آید در آغاز جزو اعیاد مسیحی بشمار نمی آمد. اما پس از برگزاری شورای نیقیه (325 م) توافق شد که روز 25 دسامبر که در میان بت پرستان امپراتوری، روز تولد خدای خورشید خوانده می شد روز تولد عیسی - علیه السلام - اعلام شود. و امروزه بابا نوئل که شکل عامیانه نیکولای فدیس، اسقف قرن چهارمی مسیحی است نمادی از عید کریسمس شده است.

ب. عید پاک عید پاک که دومین عید بزرگ مسیحیان است همه هفته در روز یکشنبه به مناسبت برخاستن مسیح از میان مردگان برگزار می شود. مراسم عید پاک از غروب شنبه آغاز می شد و تا صبح یکشنبه ادامه داشت اما امروزه زمان برگزاری آن به 2 تا 4 ساعت تقلیل یافته است. فلذا نتیجه این می شود که مسیحیان خود روز یکشنبه را به عنوان عید قرار داده اند و آن انتخابی از طرف خداوند متعال برای آنها نبوده است.



بکثبه 21 ربيعث 1393
04:21 ب.ظ

انزواى زن در كليسا!!!
نويسنده: سونيا سجادي



چرا دينت تو را از نعمت مادر شدن منع کرده؟!



ارسال به 00

يکى از مسايلى که امروزه مېشرين مسيحييت بر عليه اسلام عنوان مى کنند، سلب آزادى زنان، مورد ظلم واقع شدن بانوان مسلمان و خشونت بر عليه ايشان مى باشد.

در اين وبلاگ بخشى از مطالب در قالب عکس و نوشتارهايى در قالب پژوهش، مقاله، دنوشته و... به مسايل پيرامون زنان اختصاص داده شده است تا مخاطب را با جايگاه و ارزش والاي زن در الاهيات اسلام بيشتتر از پيش آشنا کند و در مقابل با آوردن فقراتى از کتاب تحريف شده مسيحيان - عهدين - و جملات بزرگان و انديشمندان مسيحييت در مذمت زنان، بيان کند که کدام دين در راستاي آزادى و آزادگى است.



برای مادرم زهرا اسلام الله علیها

خدمت همسر و هست
علی (علیه السلام)، فاطمه (سلام الله
علیها):

قصد ، از شما نوشتن است
اما از آنجا که قلم من ، منبر
من است در محضر شما بالای
منبر رفتن بی ادبی محض
است، مگر آنکه که از علی (علیه
السلام) و اولاد پاکتان بخواهیم
بگوئیم و کتابت کنیم، پس
یاذن الله و یاذن رسول الله ...

پیشترها که حالم خوشتر
بود و نان و خورشت دنیا دلم
را چرب نکرده بود، بر سر راه
زوّارتان گردن حسرت خم
کرده با پرده و بی پرده عریضه
ام را کف دلشان می گذاردم
که: هر وقت به سمت دیوار
مشبک بقیع قدم برداشتید اگر
شد یک قدم هم به نیابت از
حقیر به نیت همراهی حضرت

امیر، در شب خاکسپاری
مادری غریب بردارید!

حورُ النساءِ درخشنده رو و
نکوئیده خو! به روزهای سخت
جمّادی اول و ثانی و حوادثش
- پیرامون به زیرپا گرفتن
مردی و نامرد شدن عده ای
من باب بلند کردن دست بر
مادر هست - که می اندیشم،
خسوف در ذهنم تداعی می
شود و تار و ظلمانی می بیند
دیدگانم ادامه تاریخ را! اما
اینبار ماه ما به زیر سایه زمین
نرفت که به زیر خاک های
زمین... هیهات من الذّله...
هیهات... هیهات.

از نافله نشسته شما می رسم
به شب یازدهم زینب
کبری (سلام الله علیها) و وتر
نشسته اش! ...

از چادر به خاک کشیده تا
خاکستر ریخته بر سر اسیران
کرب و بلا...

از سینه ای که از سیاهی کینه
دشمن، کبود گشت ... از
آنطرف وصل می شوم به سینه
سه ساله ای که به جستجوی
پدر تا به آخرت سری کشید.

از غربت و غریبی و در خفا
بودن سفر آخرتتان تا غربت و
غریبی و در خفا بودن حیات
دنیوی همان فرزندی که بین
در و دیوار خواندیدش: یا بُنیّ
مهدی...

سینه پُرکین دشمنانتان هنوز
شعله ور است، جرقه هایش از
زیر خاکستر پیداست...
خواستند ماجرای شهیده
شدنتان را دروغ شیعه
بپندارند... گفتند خانه علی و



زهرا که در نداشت... ضربه هم که باشد از پشت پرده بوده است... .

نابخردان، صحاح مسلم، بخاری و ... را کمی توزق کنند دستشان خواهد آمد که علمای اهل سنت هم با شیعه در این روضه بریک منبر واحدند.

شهیده ولایت! بانوی آب، همسر آئینه! وقتی عده ای غدیر و حوادثش را از ذهن منفعت طلب خود دور ریختند و علاوه بر دست علی، کسره ولایت را از اوج به پائین کشانده و ولایتش کردند، تو گویی که بادبان کشتی اسلام را به زیر برده، مسیر حرکت را از صراط مستقیم منحرف کردند... و سر آخر همه دیدند که لولا علی، لهلک الفلان و فلان و فلان! نه، ولای علی بی ولایش لاممکن است.

بگذریم تا نوبت برسد به یحاسبون خود و حلاجی کنیم کرده ها و ناکرده های خود

شاته پناه برده؛ باز نکردن بقچه اعمال، بیشتر با متانت و سنگینی همراه است چرا که حرفی برای گفتن و عرض اندام، وجود خارجی ندارد!

جَوّ ناپاک درون در حال انتشار به نقطه های بیرونیست... امان... امان... امان از همزات شیاطین و از یحضرّونشان... به تنگ آمده ام از گرگ های درون که اندک رامی ما را با غفلت ساریانِ نفس، دریدند و هیچ نماند... حتی قطره ای من باب حیات انسانی... مادر جان! أم ابیها! حجه الله علی الحجج ادرکینی... اُغیثینی... .

را... خدمت مادر سادات اگر اجازه باشد کمی از احوالات پُر فراز و نشیب خود بگوئیم آنهم من باب "إستغفر لنا ذنوبنا إنا کنا خاطئین": باید عرض کنم که اینبار از کوزه همان نتراود که دروست! ظاهر مزین است به حجاب فاطمی و درون بیگانه است با عترت فاطمی! دل، پراست از نقطه نقطه های نامبهم و سیاه! آنقدر که سیاهی اش به رو هم سرایت کرده! اکثر اعمال بی سرنده و اگر هم سری باشد پیشانی اش پر است از دانه های درشت عرق شرم و گردنی که از ندانم کاری به

بندر زیبای انزلی ...





خبرک...



پیکر مطهر سه شهید گمنام دوران دفاع مقدس در میان مردم شهیدپرور بندرانزلی تشییع شد.

طبق خبرگذاری دفاع مقدس، این شهیدان ۱۷ ساله، ۲۰ ساله و ۲۳ ساله می باشند. شهید ۱۷ ساله در اثر تک دشمن در سال ۶۷ در جزایر مجنون، شهید ۲۰ ساله در اثر تک دشمن در سال ۶۷ در چم هندی و شهید ۲۳ ساله در عملیات خیبر در جزایر مجنون به فیض شهادت نائل شدند.

مراسم تشییع پیکر شهدای گمنام با حضور مردم مؤمن و ولایت مدار انزلی و طلاب، از خیابان پاسداران و مقابل مقر سابق سپاه انزلی به سمت بلوار قدس این شهرستان که محل خاکسپاری ایشان بود آغاز شد.



همزمان با فرارسیدن میلاد بانوی کرامت، حضرت فاطمه زهرا (س)، مراسمی با حضور مسئولین محترم ادارات شهرستان بندرانزلی و هیأت امنای مدرسه علمیه فاطمیه (س) با همکاری هیئت پیروان عترت برگزار گردید.

سخنران این مراسم معاون تربیت آموزش سپاه آستانه اشرفیه، اختردانش، با برشمردن ویژگیهای فاطمه زهرا(س) ایشان را به عنوان الگوی تمام زنان برشمرد

مولودی خوانی و برگزاری مسابقه واهدای جوایز به نفرات برتر مسابقات و فعالان فرهنگی حوزه علمیه و هیئت از دیگر برنامه های این جشن بود.



اعزام مبلغات مدرسه علمیه فاطمیه(س) بندرانزلی به مراسم معنوی اعتکاف.

همزمان با فرارسیدن ایام اعتکاف، طلاب مدرسه علمیه(س)بندرانزلی در این مراسم حضور یافتند.

در این مراسم، مبلغات با برپایی مجالس وعظ، دعا، نقد مسیحیت، پاسخگویی به سوالات احکام و... در میان معتکفین حضور بهم رساندند.

این مراسم امسال در مسجد سید الشهدا(ع) غازیان برگزار شد.



با شرح و بی شرح!



قلمکده

سونیا سجادی



قبل از چشیدن طعم دنیا،

خاک پاک تو دارم آرزو... یا حسین (علیه السلام)



هر جا بفرمائی "حیّ علی..." لبّیک نثارت می کنم!



فتقبّل منّا هذا القلیل...



مادر! مرو مادر...



اندکی صبر، سحر نزدیک است... «الهمّ عَجَل لولیک الفرج»



(بدون شرح!)



سرگرمی

صغری احسانی

الشعرا...



باید از فقدان گل، خونجوش بود
 در فراق یاس، مشکی پوش بود
 یاس ما را رو به پاکی می برد
 رو به عشقی اشتراکی می برد
 یاس یک شب را گل ایوان ماست
 یاس تنها یک سحر مهمان ماست
 بعد روی صبح، پرپر می شود
 راهی شبهای دیگر می شود
 یاس مثل عطر پاک نیت است
 یاس استنشاق معصومیت است
 حضرت زهرا دلش از یاس بود
 دانه های اشکش از الماس بود...

احمد عزیزی

ذات آفتاب

عیب از کجاست؟ غیبت او بی دلیل نیست
 چون ذاتاً آفتاب، به مردم بخیل نیست
 ما فرع خاک پای تو هستیم - ای حبیب!
 خاکی که سر به سجده نیارد، اصیل نیست
 باید میان کوره بسوزد که گل کند
 دل تا میان شعله نیفتد، خلیل نیست
 جایی که جای پای عروج محمد(ص) است
 راهی برای پر زدن جبرئیل نیست
 بعد از دو نیم کردن دل، پا بر آن گذار
 این سینه کمتر از وسط رود نیل نیست

رضا جعفری





گلبرگ تر

ای پرروی که گلبرگِ ترت ساخته اند

ز چه رو قلبِ ز خارا بترت ساخته اند؟!

پسر خاک بدین حُسن و لطافت؟ عجب است!

ز بهشتی، نه ز خاک پدرت ساخته اند

ثمر خویرخی بوسه شیرین باشد

آخر ای سرو! برای ثمرت ساخته اند

امام خمینی (ره)



روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم:
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟
آن یک جواب داد: چه دانیم ما که چیست؟
پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت:
این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
این گرگ سالهاست که با گله آشناست

پروین اعتصامی



خانم! یا کار، یا چادر!

و یکی دیگر با نهایت بی
شرمی گفت خانم یا کار یا
چادر؟! و او در نهایت خونسری
و آرامش جواب داد: ترجیح
میدهم چادرم را که نشانه
خانم فاطمه زهراست حفظ
کنم تا اینکه...

خلاصه هر کس برای از سر باز
کردنش بهانه ای می آورد که
به این خانم بفهمانند
مشخصات ظاهریت باب
دلما نیست!!!

دلش گرفته بود و پناهی
نداشت به جز سجاده اش...
زانوان خسته اش را گذارد بر
پارچه مستطیلی محلّ
عبادتش... برای حسّ کردن
الله ای که اکبر می دانستش
نیاز به واسطه داشت... دست

هر کدام از آگهی ها شرایطی
را مطرح کرده بودند!
- یکی نوشته بود به خانمی با
روابط عمومی بالا، ظاهری
آراسته و... نیازمندیم!

- دیگری نوشته بود به خانمی
ترجیحاً مجرد نیازمندیم!

به هر جایی که سر میزد هر
کس بهانه ای می آورد: یکی
حجابش را بهانه دست و پاگیر
بودنش قرار می داد و آن یکی
اعتقاداتش را به پای قدیمی
شدن می گذاشت.

یکی کمی مؤدبانه تر از بقیه
گفت: ببخشید خانم! از حرفی
که به شما می زنم ناراحت
نشوید؛ این روزها چادرت زیاد
طرفداری ندارد.

مدتی بود که دنبال کار می
گشت، تادستش را در برابر
دیگران برای داشتن پول توی
جیبی دراز نکند؛ می خواست
نان زحمات خودش را بخورد.

نان حلال و بی منت؛ همان
طور که سالهای سال، پدرش
با زحمت فراوان سر سفره
شان گذارده بود.

به خاطر همین هر روز صبح
بلند می شد، چادرش را به سر
میکرد و در کوچه پس کوچه
های شهر پرسه میزد؛ از بس
دنبال کار گشته بود کفش
هایش پاره پاره شده بودند.

با دلی پرامید به هر آگهی که
می رسید مکتی می کرد تا
نوشته هایش را بخواند؛ روی



هنوز هم امیدم مبدل به یاس
ونامیدی نشده است؛ هنوز هم
با دلی پر امید به خود می
گوییم: «تا شقایق هست
زندگی باید کرد». به قول
مرحوم کافی "ما که بی
صاحب نیستیم". هنوز هم
آگهی های روی در و دیوارها
را میخوانم اما این بار نه به
خطر پیدا کردن کار؛ این بار
دنبال آگهی استخدام نوکری
در خمیه سبز تو را جستجو
میکنم یابن الحسن!

آقا دلم پریشان است؛ اضطراب
تمام وجودم را گرفته؛ دست
خودم نیست، می ترسم از آن
روزی که شما هم مرا قبول
نکنی!

یک حرف همیشه سکینه قلب
نا آرامم می شود؛ و آن اینکه،
برای ارباب بد میشود اگر عبد،
دست خالی برگردد.

مولا جان! دریاب... .

قضیه از جای دیگری آب می
خورد.

آقا! گناه ما چیست که
نخواستیم هم رنگ این
جماعت باز مانده از غافله
باشیم؟! نخواستیم با آنها
در یک ایستگاه از قطار دین
پیاده شویم؛ نخواستیم مانند
آنها لباس رسوایی به تن کنیم
و به مانند آنها بی حجابی و
خروج از چارچوب دین را
تمدن و پیشرفت نام نهیم؟!!

آقا جان! درست است که
خیلی روزها حسرت قدم زدن
در کنار ساحل دریا به دلمان
میماند؛ درست است که خیلی
وقتها با دلهره، سنگ فرشهای
شهر را یکی پس از دیگری
طی میکنیم؛ اما با این همه

بر سینه گذارد و آرام با قطره
ای اشک، مولایش را ندبه کرد:

آقا جان! میدانم همه چیز را
میدانی و نیاز به گفتن نیست
و این خلاصه داستان شهر من
است؛ شهری که غبار گناه
مردمانش، چهره آبی آسمان را
سیاه کرده است.

البته از انصاف به دور است که
برچسب گناه بعضی هارا به
همه بچسبانیم، ولی این از
خصلت آتش است که وقتی
زبانه میکشد تر و خشک را
باهم می سوزاند.

آقای من! کاش میشد از این
دیار بار بست و رفت؛ اما با
خودم میگویم به هر کجا بروی
آسمانش همین رنگ است؛
مشکل از شهر و دیار نیست؛





امام علی و پیشگویی نابودی اسرائیل

در روایات متعددی، موضوع تسلط یهود بر سرزمین‌های اسلامی و حوادث پس از آن پیشگویی شده است که در اینجا به مناسبت حوادث جاری در منطقه به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم: در روایتی که از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است در این زمینه چنین آمده است: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب [به منطقه عربی خاور میانه] خواهند آمد. عرضه داشتند: یا ابالحسن! پس عرب‌ها در آن موقع کجا خواهند بود؟ فرمود:

در آن زمان عرب‌ها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته، و متحد و هماهنگ نیستند. از آن حضرت سؤال شد: آیا این

بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟ فرمود: نه، تا زمانی که عرب‌ها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیم‌های جدی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عرب‌ها پیروز و متحد خواهند گردید، و نیروهای کمکی از [طریق] سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچم‌هایشان نوشته شده است: «القوة».



۱. عرب‌ها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد او

با یهودیان خواهند جنگید! و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته‌ها عبور کنند. آنگاه فرمود: و عرب‌ها سه بار با یهود می‌جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می‌افکند. بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.



الشريف) شاهد نابودی
صهیونیسم متجاوز و آزادی
کامل سرزمین فلسطین و
قدس شریف باشیم.

۲- عقائد الامامیه، ج ۱، ص ۲۷۰؛
به نقل از هاشمی شهیدی،
سیداسداله، ظهور حضرت
مهدی(عجل الله تعالی فرجه
الشريف) از دیدگاه اسلام و مذاهب
و ملل جهان، ص.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹؛ معانی
الاکبار، ص ۴۰۷؛ به نقل از همان،
ص. بر گرفته از سایت موعود.
ماهنامه موعود شماره ۶۶

۲- آن حضرت در روایتی
دیگر که «عباید اسد» آن را
نقل کرده است، می فرماید :

من در آینده در مصر منبری
روشنی بخش بنیان خواهم
نمود ... و یهود و نصاری را از
سرزمین های عرب بیرون
خواهم راند، و عرب را با این
عصای خود [به طرف حق]
سوق خواهم داد. عبایه
می گوید: من عرض کردم: یا
امیر المؤمنین! گویی شما خبر
می دهید که بعد از مردن بار
دیگر زنده می شوید و این
کارها را انجام می دهید! فرمود:
هیئات ای عبایه! مقصود من
از این سخنان آن گونه که تو
خیال کردی نیست؛
مردی از دودمان من اینها را
انجام خواهد داد. ۳ با امید به
آنکه به زودی با ظهور امام
مهدی(عجل الله تعالی فرجه

منبع:

www.shahediha.ir

www.cloob.com

پی نوشت ها:

۱- ظاهرا اشاره به آیه «و أعدّوا لهم
ما استطعتم من قوه» (سوره
انفال(۸)، آیه ۶۰) باشد.





سن عایشه هنگام ازدواج

علمای اهل سنت و اکثر علمای شیعه بر این اعتقادند که عائشه هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (ص) ۶ یا ۷ ساله بود. ولی طبق اسناد به دست آمده از کتب خود علمای اهل سنت به این نتیجه می‌رسیم که عائشه هنگام ازدواج با پیامبر حداقل ۲۰ الی ۲۱ ساله بوده است.

اینکه پیامبر عایشه را در سن شش یا هفت سالگی به عقد خود درآورده و پس از هجرت به مدینه در نه سالگی به خانه اش درآورد و با او زفاف کرد، از خود عایشه نقل شده است. (طبقات، ج ۸، ص ۳۹ / طبری، ج ۲، ص ۴۱۳)

اما این مطلب به دلایل زیر صحیح نیست و سن او بیش از این می‌باشد.

۱- بیشتر احادیثی که سن عایشه را هنگام ازدواج ۹ سال گفته‌اند یا از طرف هشام بن عروه روایت

شده است و یا از سوی راویان عراقی و شگفت اینکه اهل مدینه؛ آنهایی که هشام بن عروه بیشتر از هفتاد سال نخست زندگی خویش را در میان شان گذارنده بود این مساله را روایت نکرده‌اند.

۲- امام بخاری در کتاب تفسیر خویش حدیثی را از عائشه نقل نموده که در آن می‌گوید: هنگام نزول آیه «بل الساعه موعدهم و الساعه ادهی و امر» که جز سوره قمر به حساب می‌آید، من جاریه‌ای بودم و در بازی می‌کردم.

(فتح الباری، شرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۴۸۶)

لفظ جاریه در زبان عرب به معنی دوشیزه آمده است. کتاب‌های تفسیر و حدیث می‌گویند که این آیه هشت سال قبل از هجرت پیامبر به مدینه نازل شده است. اگر سن عایشه

را هنگام نزول این آیات اقلماً ۱۰ سال فرض کنیم، سن ایشان هنگام ازدواج باید در حدود ۲۰ بوده باشد.

۳- طبری می‌گوید که ابوبکر دارای چهار فرزند بود که همه آنها در دوره جاهلیت دنیا آمده بود. (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۰)

اگر این سخن طبری درست باشد که عائشه قبل از بعثت پیامبر به دنیا آمده باشد، پس او به هیچ صورتی نمی‌تواند که هنگام ازدواج نه ساله بوده باشد.

۴- براساس روایت‌های معتبر تاریخی، «اسماء» خواهر بزرگ عائشه ده سال از او بزرگتر بوده است.

(سیر اعلام النبلاء / ج ۲ / ص ۲۸۹ و البدایه و النهایه / ج ۸ / ص ۳۷۱)

و کتابهای بسیار معتبر تاریخ گزارش می‌دهند که اسماء در



سال هفتاد و سوم هجری به عمر صد سالگی بدرود حیات گفت. (البدايه و النهايه / ج ۸ / ص ۳۷۲)

اگر اسما در سال هفتاد و سوم هجری صد ساله بوده باشد پس عمر او هنگام هجرت باید بیست و هفت یا بیست و هشت بوده باشد. بر اساس این روایت تاریخی اگر عمر اسماء در اثنای هجرت بیست و هفت و یا بیست و هشت بوده باشد، عائشه در آن زمان باید هفده ساله یا هجده ساله بوده باشد. اگر عائشه در سال اول یا دوم هجری ازدواج نموده باشند، باید عمر وی در اثنای ازدواج هیجده یا بیست و سه ساله بوده باشد.

۵- ابن هشام از اولین نگارندگان سیره پیامبر معتقد است که عائشه از نخستین پیامبران محمد (صلی الله علیه و آله) و از کسانی که در سالهای نخست، ایمان آورده بودند، باشد.

(السیره النبویه / ج ۱ / ص ۲۲۷ – ۲۳۴)

برای پذیرش دینی باید کودکی حداقل بتواند راه رود و حرف زدند. پس اگر عائشه در سال اول بعثت پیامبر سه ساله و یا پنج ساله بوده باشد، پس هنگام ازدواج باید حداقل ۱۶ یا ۱۸ ساله بوده باشد.

ابن هشام می گوید که عائشه بعد از هیجده نفر ایمان آورده است (ابن هشام / ج ۱ / ص ۲۷۱) بر مبنای این سخن ابن هشام، سن عائشه هنگام ازدواج باید در حدود ۱۶ تا ۲۰ سال بوده باشد.

۶- عائشه قبل از خواستگاری پیامبر، نه تنها که نامزد مرد دیگری بود که حتی آماده ازدواج بوده است. این شخص «جبیرین مطعم» نام داشت. (طبقات الكبرى / ابن سعد / ص ۵۲۹، الاصابه / ج ۴ / ص ۳۵۶) به این معنی که هشت سال قبل از هجرت، در آن زمانی که ابوبکر

می خواست به حبشه هجرت نماید، نزد مطعم رفت و گفت که او می خواهد عائشه را از قید نامزدی فرزندش جبیر می باشد با فرزندش تزویج نماید، ولی مطعم به خاطر آنکه ابوبکر مسلمان شده بود، عقد نامزدی فرزندش را با عائشه فسخ نمود.

از این روایت بر می آید که حتی هشت سال قبل از نامزدی عائشه با پیامبر آماده ازدواج بوده است. اگر فرض کنیم عائشه هنگام ازدواج با جبیر حداقل نه ساله بود و این ازدواج طبق روایات قبل از بعثت بود می توان نتیجه گرفت عائشه هنگام تزویج با پیامبر حداقل ۱۷ یا ۱۹ ساله و هنگام دخول ۲۰ تا ۲۲ ساله خواهد بود!!! « برای مطالعه بیشتر به کتاب گرانبهای تاریخ صحیح اسلام ج ۱ استاد معظم نیکنام عربشاهی از ص ۱۸۲ تا ۱۹۷ مراجعه فرمایید».



تناقضات کتاب مقدس

لازم به ذکر میدانم که غرض از ذکر این تناقضات، خرده گیری بر کتاب مقدس نیست؛ بلکه با نقد منصفانه و گفتگویی صمیمانه به دنبال نشان دادن حقیقتیم. و شرط به نتیجه رسیدن تمامی اینها همان حفظ متانت و اخلاق گفتمان است.

اینک به تناقضات کتاب مقدس می پردازیم:

۱- عیسی مسیح پیش گویی میکند:

«همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بود پسر انسان (خود عیسی مسیح) هم سه شبانه روز در زمین خواهد بود».

(انجیل متی ۴۰)

ولی وقتی اناجیل داستان به صلیب کشیده شدن مسیح را نقل میکنند چنین گزارش میدهند که مسیح جمعه به صلیب کشیده شد (متی ۲۵: ۲۷-۴۶) و در غروب آن روز وی را دفن کردند و صبح زود

یکشنبه وقتی بر سر قبر وی آمدند قبر را خالی یافتند (متی ۶: ۲۸)

۲- در کتاب دوم تواریخ مینویسد که یهو شافاط کارهای بسیاری انجام داد از جمله بت های روی تپه را خراب کرد ولی در کتاب اول پادشاهان مینویسد که او خدمات بسیاری انجام داد ولی فقط بت های روی تپه را خراب نکرد آیا این تناقض نیست؟

۳- پس خداوند موقعیت سلطنت یهوشافاط را تحکیم نمود... یهوشافاط با دل و جان، خداوند را خدمت می کرد. او بتکده های روی تپه ها را خراب کرد و بت های شرم آور اشیره را درهم شکست.

(دوم تواریخ ۱۷ / ۵)

ولی در جای دیگر میگوید - یهوشافاط در سن سی و پنج سالگی بر تخت نشست و بیست و پنج سال در اورشلیم

سلطنت کرد... او هم مثل پدر خود آسا مطابق میل خداوند عمل می کرد به جز در یک

مورد و آن اینکه بتخانه های روی تپه ها را از بین نبرد. (اول پادشاهان ۲۲ / ۴۲)

۴- وقتی سلیمان هیکل و معبد مخصوصش را ساخت طبق دستور خداوند حوضی در وسط آن گماشت که در مقدار گنجایش آن حوض اختلاف است:

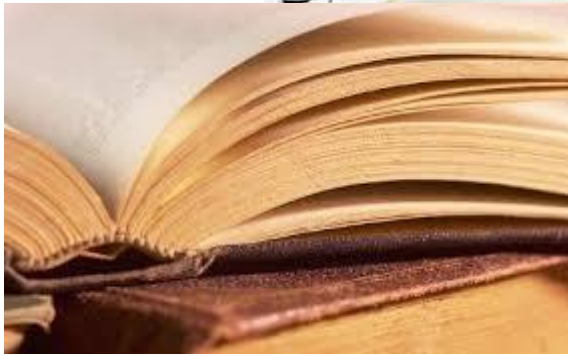
- ضخامت دیواره‌ی حوض به پهنای کف دست بود. لبه‌ی آن به شکل جام بود و مانند گلبرگ سوسن به طرف بیرون باز می شد. گنجایش آن بیش از چهل هزار لیتر بود. (اول پادشاهان ۷ / ۲۶)

- ضخامت دیواره‌ی حوض به پهنای کف دست بود. لبه‌ی آن به شکل جام بود و مانند گلبرگ سوسن به طرف بیرون باز می شد. گنجایش آن بیش از شصت هزار لیتر بود. (دوم تواریخ ۴ / ۵)



کتاب، غذای روح است
روح از کتاب زنده
است

معرفی کتاب



یکی از تازه‌ترین کتب مورد اشاره و تحسین رهبر معظم انقلاب، یک کتاب جنگی و حماسی نیست؛ یعنی فقط جنگی نیست. بلکه یک کتاب اقتصادی است؛ یک کتاب کار است.

رهبر انقلاب در مورد این کتاب فرمودند: «کتاب این آقای حاج عباس دست طلا را که مفصل و با جزئیات [گفته] خواندم. خیلی خوب بود انصافاً؛ مخصوصاً کتاب ایشان؛ هم مطلب در آن زیاد بود، هم آثار صفا و صداقت در آن کاملاً محسوس بود و انسان می‌دید. خداوند ان شاء الله فرزندان شهید ایشان را با پیغمبر محشور کند و

خودشان را هم محفوظ بدارد.»

ماجرا از آن جا شروع شد که رهبر معظم انقلاب یکم بهمن‌ماه سال قبل میزبان عده‌ای از رزمندگان قدیمی



جبهه‌های جنگ بودند. مجلسی که ساعتی قبل از ظهر آغاز شد و تا نماز ظهر و عصر ادامه پیدا کرد. ترکیب افراد حاضر در آن جلسه که عمدتاً مو سفید کرده و عصا به دست گرفته بودند خیلی

جالب بود. آن‌ها کسانی بودند که برای جنگیدن به جبهه رفته بودند؛ رفته بودند تا در جبهه کار کنند. تفنگ به دست نگرفته بودند؛ آچار و پیچ‌گوشتی و چکش و روغن و گیریس، ابزار دست‌شان بود. تعمیرکار ماشین‌های سنگین، صافکار، نقاش، گلگیرساز، اتاق‌ساز، جوشکار و صاحبان حرفه‌هایی از این دست. افرادی که در آن سال‌ها اسم‌شان را گذاشته بودند: «اصناف پشتیبان جنگ».

برای این که اهمیت موضوع این نشست روشن شود، باید بدانیم که رهبر انقلاب در سخنرانی اولین روز سال جدید در حرم رضوی هم به

این نشست دوستانه اشاره فرمودند:

«در دوران جنگ تحمیلی، یکی از مشکلات ما، از کار افتادن دستگاه‌های ما، بمباران شدن مراکز گوناگون ما، تهیدست ماندن نیروهای ما از وسایل لازم - مثل وسایل حمل و نقل و این چیزها - بود. یک عده افراد صنعتگر، ماهر، مجرب، راه افتادند از تهران و شهرستان‌ها - که بنده در اوایل جنگ خودم شاهد بودم، این‌ها را می‌دیدم؛ اخیراً هم بحمدالله توفیق پیدا کردیم، یک جماعتی از این‌ها آمدند؛ آن روز جوان بودند، حالا سنی از آن‌ها گذشته؛ اما همان انگیزه و همان شور در آن‌ها هست - رفتند داخل میدان‌های جنگ، در صفوف مقدم، بعضی‌هایشان هم شهید شدند؛ تعمیرات کردند؛ ساخت‌وساز کردند؛ ساخت‌وسازهای صنعتی؛ این پل‌های عجیب و غریبی که در جنگ به درد نیروهای مسلح ما خورد، امکانات فراوان،

خودرو، جاده، امثال این‌ها، به‌وسیله‌ی همین نیروهای مجرب و ماهر به‌وجود آمد. امروز هم هستند؛ امروز هم در کشور ما الی‌ماشاءالله؛ تحصیل کرده نیستند، اما تجربه و مهارتی دارند که گاهی از تحصیل کرده‌ها هم بسیار بیشتر و بهتر و مفیدتر است؛ این هم یکی از امکانات



نیروهای ما است؛ هم در کشاورزی این را داریم، هم در صنعت داریم.»
(۰۱/۰۱/۱۳۹۳)

یکی از میهمانان رهبر انقلاب اسلامی در آن دیدار، «حاج عباس علی باقری» مشهور به «حاج عباس فابریک دست‌طلا» بود. تعمیرکار خوش‌نام جبهه‌های جنوب یک سال قبل از آن خاطراتش را به همت بسیج اصناف و مدیریت نشر فاتحان، لباس

جلد پوشانده بود. رهبر انقلاب در آن دیدار، عباس آقای دست‌طلا را خوب به جا آوردند:

«این کاری که اخیراً شروع شده که از شماها با این جزئیات و ریزه‌کاری‌ها خاطرات می‌گیرند، این هم کار خیلی خوبی است. ما دو جلد از این کتاب‌های شما را خواندیم، یکی کتاب آقای بنایی را خواندم یکی هم کتاب این آقای حاج عباس دست‌طلا را که مفصل و با جزئیات [گفته] خواندم. خیلی خوب بود انصافاً؛ مخصوصاً کتاب ایشان؛ هم مطلب در آن زیاد بود، هم آثار صفا و صداقت در آن کاملاً محسوس بود و انسان می‌دید. خداوند ان‌شاءالله فرزند شهید ایشان را با پیغمبر محشور کند و خودش را هم محفوظ بدارد.»

منبع: سایت تبیان:

www.tebyan.net

اطلاعیه دعوت به همکاری دفتر فناوری اطلاعات

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۱۲:۲۱

دفتر فناوری اطلاعات حوزه های علمی خواهران به منظور ارتقاء کیفی و بهبود سطح علمی طلاب در زمینه کامپیوتر و فناوری اطلاعات، خصوصاً وبلاگ و همچنین جذب نماینده استانی (شهرها و مدارس) از بین طلاب علاقه مند، همکار افتخاری می پذیرد.

قابل توجه اعضای محترم سامانه کوثر بلاگ، طلاب توانمند و علاقه مندان به فناوری اطلاعات

دفتر فناوری اطلاعات حوزه های علمی خواهران به منظور ارتقاء کیفی و بهبود سطح علمی طلاب در زمینه کامپیوتر و فناوری اطلاعات، خصوصاً وبلاگ و همچنین جذب نمایندگان استانی (شهرها و مدارس)، از بین طلاب علاقه مند، همکار افتخاری می پذیرد. داوطلبین می توانند نام، نام خانوادگی، تلفن همراه، شهر و نام مدرسه (مرکز) خود را به ایمیل online@whc.ir و یا از طریق پیامک به شماره **۰۲۰۰۰۲۱۴۴۰۰۰۶۱۸** آمادگی خود را اعلام نمایند تا هماهنگی های لازم صورت پذیرد.



موارد مطلوب جهت همکاری:

- ۱- نماینده دفتر فناوری در استان (شهر یا مدرسه)
- ۲- تعامل و پشتیبانی و حمایت فکری و ارتباط با طلاب استان (شهر یا مدرسه)
- ۳- معرفی وبلاگ نویسان فعال و برتر استان (شهر یا مدرسه) به دفتر فناوری
- ۴- تشویق طلاب به ایجاد وبلاگ و برگزاری دوره های آموزشی با همکاری دفتر فناوری
- ۵- اطلاع رسانی طرح و برنامه های مناسبی و مهم در سامانه به طلاب استان (شهر یا مدرسه) با همکاری دفتر فناوری

*چنانچه فردی در یک یا تمامی موارد فوق بتواند در حد توان خود با دفتر فناوری همکاری داشته باشد، اعلام آمادگی نماید.

*کلیه طلاب در سطوح مختلف می توانند در این فراخوان شرکت کنند.

لازم به ذکر است به داوطلبین انتخاب شده جهت همکاری، یکسال اینترنت رایگان از سوی دفتر فناوری اهدا می گردد.



ای بهترین پدر دنیا! میگذت مبارک...